



نکته کلیدی که چین و روسیه را از دو کشور دیگر متمایز می‌کند، استفاده هوشمندانه و همزمان از دو ابزار به‌ظاهر متضاد است: قانونگذاری سختگیرانه در یک سمت و مقررات زدایی بی‌رحمانه در سمت دیگر

پالایش را تعیین کرد و هزاران پالایشگاه کوچک و پراکنده «teapot» را در عمل تعطیل کرد؛ این سخت‌ترین قانونگذاری ساختاری در تاریخ صنعت پتروشیمی جهان بود. اما با دست دیگر، بزرگ‌ترین قانون‌زدایی انرژی تاریخ را اجرا کرد و خوراک پتروشیمی را کاملاً از سیاست محدودیت مصرف انرژی و کربن معاف کرد. همچنین بوروکراسی محلی را در پروژه‌های عظیم حذف و برای فناوری‌های سبز و مجتمع‌های غول‌پیکر در عمل فرش قرمز پهن کرد. نتیجه این شد که بازیگران کوچک و ناکارآمد نابود شدند، اما غول‌هایی مثل سینوپک و یولونگ با سرعت و بدون هیچ مانعی رشد کردند. در روسیه دقیقاً همین منطق به شکل معکوس اجرا شد. دولت با یک دست خام‌فروشی را در عمل جرم اقتصادی اعلام کرد، مالیات معکوس گذاشت، الزام ۴۰ درصد تبدیل داخلی تعیین کرد و کووای اجباری تجهیزات و کاتالیست داخلی وضع کرد؛ این یعنی سخت‌ترین فشار ممکن برای جلوگیری از خروج ارزش افزوده. اما با دست دیگر، تمام موانع ممکن را برداشت: معافیت ۱۰۰ درصد گمرکی و مالیاتی برای هر چیزی که از کشورهای دوست وارد شود، حذف ارزیابی زیست‌محیطی فدرال در خوشه‌ها، اجازه مالکیت ۱۰۰ درصد خارجی، حذف تمام مجوزهای استانی در پروژه‌های کلیدی و حتی حذف مراحل قدیمی آمادگی فناوری تا پروژه سریع‌تر به تولید برسد. نتیجه این شد که در شرایطی که غرب همه درها را بسته، روسیه توانست با پول و مهندسی چین، ایران و ترکیه پروژه‌های عظیمی مثل آمور و ایرکوتسک را جلو ببرد. در هر دو کشور، دولت دقیقاً می‌داند چه چیزی را می‌خواهد نابود کند (واحدهای ناکارآمد در چین، خام‌فروشی در روسیه) و چه چیزی را می‌خواهد زنده کند (غول‌های یکپارچه سبز در چین، زنجیره داخلی ضدتحریم در روسیه). بنابراین به جای انتخاب بین «سخت‌گیری» یا «آزادسازی»، هر دو را همزمان و در جهت مخالف هم به کار می‌گیرند: سخت‌ترین قوانین برای بخش‌هایی که باید بمیرند، کامل‌ترین آزادی برای بخش‌هایی که باید رشد کنند. این دقیقاً همان فرمولی است که در عمل، در دو محیط کاملاً متفاوت (یکی در اوج قدرت جهانی، دیگری زیرسخت‌ترین تحریم‌های تاریخ) موفق‌ترین نتایج را داده است. ▶

را با تضمین دولتی و بیمه ریسک سیاسی همراه کرد؛ قانون «حمایت از ادغام داخلی» (۲۰۲۴) ادغام سیبور و تاف را با معافیت موقت ضدانحصار تا ۲۰۳۰ تأیید کرد، همچنین قانون «حذف موانع نوآوری» (۲۰۲۴-۲۰۲۵) مراحل قدیمی آمادگی فناوری را حذف و انتقال سریع از پایلوت به تولید صنعتی را ممکن ساخت.

این اقدامات، همراه با نوسازی کارخانه‌های متانول، تولید داخلی انیدرید مالئیک، استفاده از چاپ سه‌بعدی و مهندسی معکوس و چرخش صادراتی به آسیا (چین ۴۹ درصد متانول، هند و ترکیه)، صنعت پتروشیمی روسیه را به نماد واقعی «تاب‌آوری ژئوپلیتیکی» تبدیل کرده و هدف دو برابر شدن تولید پلیمر تا ۲۰۳۰ را در مسیر تحقق قرار داده است. با این حال درآمد انرژی روسیه از اوج ۲۰۲۲ تا سپتامبر ۲۰۲۵ حدود ۵۰ درصد سقوط کرده و روزانه به ۵۴۶ میلیون یورو رسیده است. چراکه تحریم‌ها سقف قیمتی نفت روسیه را از سوی کشورهای گروه هفت، ۱۵ درصد زیر قیمت جهانی پایین آورده است. همزمان حملات پهنای اوکراین از اوت ۲۰۲۵ به بعد حداقل ۱۶ پالایشگاه را مورد هدف قرار داده و این حملات حدود ۲۰ درصد ظرفیت پالایش را آفلاین کرده که این امر باعث کمبود بنزین داخلی، صف‌های طولانی و افت شدید صادرات محصولات پالایشی شده است، همچنین ترکیب این دو عامل بودجه را با کسری ۱/۹ درصد GDP روبه‌رو کرده و روسیه را کاملاً وابسته به برداشت از صندوق ثروت ملی کرده است.

◀ مورد جالب قانونگذاری سختگیرانه و قانون‌زدایی هدفمند در چین و روسیه

نکته کلیدی که چین و روسیه را از دو کشور دیگر متمایز می‌کند، استفاده هوشمندانه و همزمان از دو ابزار به‌ظاهر متضاد است: قانونگذاری سختگیرانه در یک سمت و مقررات زدایی بی‌رحمانه در سمت دیگر. این ترکیب در نگاه اول پارادوکسیکال به نظر می‌رسد، اما در عمل دقیقاً همان چیزی است که به هر دو کشور اجازه داده در شرایط کاملاً متفاوت (رقابت جهانی برای چین، تحریم کامل برای روسیه) نه تنها زنده بمانند، بلکه رشد هم کنند. در چین، دولت با یک دست سقف آهنین ۱۰۰۰۰ میلیون تن ظرفیت

جدول بررسی تطبیقی سیاست‌های توسعه پتروشیمی در چهار کشور

سیاست‌گذاری	چین	هند	کره جنوبی	روسیه
تمرکز اصلی	مقیاس عظیم + فناوری سبز + هدایت دولتی	جذب سرمایه + تشویق تولید + انعطاف زیست محیطی	کاهش ظرفیت + تخصص گرایی + گرایش سبز	تاب‌آوری ژئوپلیتیک + جایگزینی واردات + خوشه‌سازی
رویکرد به ظرفیت	سقف ملی ۱۰۰۰۰ میلیون تن + حذف کامل پالایشگاه‌های کوچک، قدیمی و غیراستاندارد + حمایت از توسعه مجتمع‌های غول‌پیکر (یولونگ)	مناطق ویژه PCPIR + PLI + پارک‌های پلاستیک	کاهش اجباری ۱۵-۱۸٪ ظرفیت کراکینگ (۲۰۲۵)	گسترش ظرفیت پلیمر + خوشه‌های هفت‌گانه، اما نه برای مقیاس، بلکه برای خودکفایی
فناوری سبز و انتقال انرژی	پیششار مطلق (CO ₂ -to-chemi-)، هیدروژن سبز، الزام بازیافت (cals)	محدود به پلاستیک بازیافتی و الزام ۳۰٪ مواد بازیافتی تا ۲۰۳۰	حرکت سریع به مواد باتری، بایوپلاستیک، CCUS (اعتبار مالیاتی ۴۰٪)	معافیت‌های زیست محیطی برای پروژه‌های حیاتی، نه نوآوری سبز
تاب‌آوری ژئوپلیتیک	خودکفایی تکنولوژیک + زنجیره تأمین مستقل (نه به خاطر تحریم، بلکه برای رهبری جهانی)	جذب سرمایه خارجی + تبدیل به هاب منطقه‌ای	فشار رقابتی جهانی، نه تحریم	مقابله مستقیم با تحریم + دور زدن غرب + چرخش به آسیا + ادغام داخلی
منطق سیاستی مشترک	سخت‌گیری ساختاری + مقررات زدایی هدفمند برای بخش‌های پیشرفته	تشویق مالی + حذف بوروکراسی محلی	کاهش ظرفیت اجباری + یارانه برای محصولات تخصصی	جرم‌انگاری خام‌فروشی + مقررات زدایی شدید برای سرمایه و تجهیزات غیرغربی